فصلنامه علمی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»
سال شانزدهم: شماره ۵۹، تابستان ۱۴۰۵
صفحات: ۲۳۲ - ۲۱۷
شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/RJIR.2026.30905.3917
«مقاله‌ی پژوهشی»

Pažuheŝhnâme-ye Enghelâbe Eslâmi
A Quarterly Scientific Journal
on Islamic Revolution
Vol 16, No 59, Summer 2026

گفتمان عدالت از دیدگاه شهید مطهری

غلامرضا خواجه‌سروی[۱]
فرید محمدی[۲]
فاطمه شکری[۳*]

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه مفهوم عدالت در اندیشه شهید مطهری انجام شده است. عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آرمان‌های بشری و مفهومی بنیادین در حوزه فلسفه و دین، همواره نقشی اساسی درحیات فردی واجتماعی انسان دارد و دراندیشه شهید مطهری نیز از مفاهیم مهم و تأثیرگذار در ساماندهی زندگی فردی و اجتماعی محسوب می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا، دیدگاه‌های شهید مطهری درباره عدالت بررسی و تحلیل شده و یافته‌های پژوهش درچهار محور کلیات، راهکارها، موانع و پیامدهای تحقق عدالت صورت‌بندی شده‌اند.

یافته‌ها: نشان می‌دهد که عدالت در اندیشه شهید مطهری مفهومی بنیادین و چندبعدی است که مؤلفه‌هایی همچون تعادل، تساوی، نفی تبعیض و رعایت حقوق افراد را در بر می‌گیرد. این مفهوم در دو سطح «عدالت الهی» و «عدالت انسانی» قابل تفکیک است؛ عدالت الهی شامل سه حوزه تکوینی، تشریعی و اخروی و عدالت انسانی مشتمل بر دو حوزه فردی و اجتماعی است. همچنین، استبداد، خودکامگی، حضور عناصر نالایق در ساختار حاکمیت و فقدان ایمان به عدالت، از مهم‌ترین موانع تحقق عدالت به‌شمار می‌روند.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، تحقق عدالت در جامعه می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای سطح آگاهی، تضمین بقای حاکمیت، ریشه‌کنی فقر، ایجاد وحدت عمومی، تأمین امنیت و شکل‌گیری ثبات پایدار اجتماعی شود. بنابراین، عدالت دراندیشه شهید مطهری جایگاهی اساسی در ساماندهی حیات فردی و اجتماعی دارد و تحقق آن مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد الهی، فردی و اجتماعی و رفع موانع موجود در مسیر تحقق عدالت است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، عدالت الهی، عدالت انسانی، شهید مطهری، عدالت اجتماعی.

۱- استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. **Email:** sarvireza1968@gmail.com
۲- دانشجوی دکترا گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. **Email:** faridmohammdi650@gmail.com
۳- دانشجوی کارشناسی‌ارشد، استعداد درخشان، دانشگاه علامه طباطبایی. (نویسنده مسئول) **Email:** fatemehshokry2913@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۷

مقدمه

عدالت نه‌تنها نیازی بنیادین برای جوامع انسانی، بلکه ستون استواری نظم سیاسی و پیش‌شرط تداوم حیات اجتماعی است. این مفهوم که همواره آرمان بشر در طول تاریخ بوده، فضیلتی است که تحول اخلاقی فرد و جامعه در گرو آن قرار دارد. تحقق عدالت موجب گسترش برابری، دادگری، آزادی و خداپرستی می‌شود؛ در مقابل، فقدان آن زمینه‌ساز بروز فساد، تبعیض و بی‌عدالتی است که کرامت انسانی را مخدوش می‌سازد. در آموزه‌های اسلامی، عدالت به عنوان محوری‌ترین اصل هستی و شالوده حیات بشری در تمامی ابعاد مطرح است؛ موضوعی که در قرآن کریم، سیره نبوی، روایات معصومین(ع) و اندیشه متفکران مسلمان به‌ویژه امام خمینی(ره)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مطهری به تفصیل بازتاب یافته است. در این میان، شهید مرتضی مطهری در آثار خود، به‌ویژه در دو کتاب «عدل الهی» و «بیست گفتار»، با رویکردی تحلیلی به تبیین ابعاد عدالت الهی و بشری پرداخته است؛ چنان‌که در کتاب «عدل الهی»، ایشان با تکیه بر مبانی فقهی، کلامی، حکمی و روایی، کوشیده است تمامی زوایای مفهوم عدل را واکاوی نماید (مطهری، ۱۹۹۷: ۲۱۰).

بنابراین در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشیم که جایگاه عدالت در اندیشه شهید مرتضی مطهری چگونه می‌باشد؟ به همین منظور به چیستی و اهمیت و ضررت عدالت از منظر قرآن و روایت و همچنین دیدگاه‌های اندیشه غرب و اسلام پرداخته و اقسام عدالت و راهکارهای اجرایی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم، که به‌وسیله دیدگاه و نوشته‌های شهید مرتضی مطهری پاسخ داده می‌شود. هدف این پژوهش، مطالعه‌ی اکتشافی برای دستیابی به عمده ترین تعریف‌ها و نظریه‌ها مرتبط با مفهوم عدالت در اندیشه‌های شهید مرتضی مطهری می‌باشد.

در پژوهش حاضر، از روش توصیفی–تحلیلی در بستر مطالعات کتابخانه‌ای– اسنادی استفاده شده است که در آن، داده‌ها از طریق استخراج و فیش‌برداری از منابع اصیل و معتبر گردآوری گردیده‌اند. ساختار محتوایی این تحقیق در قالب چهار گفتار تنظیم شده است: گفتار اول به مبانی نظری و کلیات (شامل تعاریف، مفاهیم، پیشینه و ضرورت بحث) اختصاص دارد. در گفتار دوم به بررسی راهکارهای عملیاتی پرداخته شده است. گفتار سوم به تحلیل موانع تحقق عدالت اختصاص یافته و در گفتار چهارم، آثار و پیامدهای آن مورد واکاوی قرار گرفته است. سرانجام، نوشتار با ارائه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی به پایان می‌رسد.

کلیات

- تعاریف عدالت

۱- معنای لغوی عدالت (justice)

عدالت از عدل به معنای دادگری، داد و دادگر است که در فرهنگ فارسی عمید، عدل را داد، ضد ظلم و جور و نیز به معنای عادل، نظیر و برابر ذکر کرد (عمید، ۱۹۸۴: ۱۷۰۹). محمد معین معنی لغوی عدل را

نهادن هرچیزی به جای خود، حد وسط این افراط و تفریط و انصاف آورده است (معین، ۱۹۸۵: ۲۸۲). عدل را راغب اصفهانی به‌عنوان یک واژه قرآنی به معنای مساوات گفته است. او می‌گوید، عدل و عدل از نظر معنی نزدیک به هم هستند و عدل در جایی به‌کار می‌رود که با چشم دیده شود مانند برابری دو کفه ترازو با یکدیگر، در این معنی عدل به معنای تقسیط و تقسیم به‌طور مساوی است (اصفهانی، ۱۹۹۶: ۳۲۵). ابن منظور در کتاب لسان العرب، عدل را به معنای۵۳ تساوی میان دو چیز و حکم کردن به حق آورده است (منظور، ۲۰۲۶).

۱-۲- معنای اصطلاحی عدالت

عدل در اصطلاح به «العدل یضع الامور مواضعها» یعنی عدل امور را در مواضع خودش قرار می‌دهد (سیدرضی، ۲۰۰۰: ۷۴۳). عدالت در اصطلاح یعنی حق هرصاحب حقی را ادا کردن بر اساس آنچه که استحقاق دارد (کاشانی، ۱۹۸۴: ۶۳۸). به تعبیر دیگر عدالت یعنی مراعات شایستگی‌ها هرگاه در رفتار اجتماعی شایستگی‌ها حاکم شد و سلیقه‌ها کنار گذاشته شد یعنی اگر ملاک رفتارها را بر اساس لیاقت‌ها و شایستگی‌ها در نظر گرفتیم حکم به عدالت کرده‌ایم.

شهید مطهری پیرامون مفهوم عدالت به تفصیل سخن می‌گوید و تلاش دارد یک نوع تعریفی دقیق از عدالت به‌دست بدهد، مطهری پیرامون مفهوم عدالت به تفصیل سخن می‌گوید و تلاش دارد یک نوع تعریفی دقیق از عدالت به دست بدهد به نظر دکتر مطهری عدالت عبارت است از این‌که آن استحقاق و حقی که هر بشری به موجب خلقت خود و به موجب کار و فعالیت خودش به‌دست آورده به او داده شود عدالت نقطه مقابل ظلم و تبعیض است و ظلم آن است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهد و از او بگیرند و تبعیض آن است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند یک موهبتی را از یکی دریغ بدارند و از دیگری دریغ ندارند (مطهری، ۲۰۰۰: ۱۸). مطهری در کتاب ۲۰ گفتار از عدالت بیان می‌کند که عدالت یعنی حق به حقدار رسیدن. این همان کلام امام علی می‌باشد که می‌فرماید عدل یعنی هر چیزی را سرجای خود نهادن. در تعریف نهایی عدالت باید گفت که عدالت این‌که هر صاحب حقی را به حقش رساندن و آن را در جایگاه مناسب قرار دادن است این تعریف از عدالت در مقابل ظلم است و ظلم یعنی نهادن هرچیزی در غیر موضع خودش که این عین ستمگری بیدادگری است.

– اهمیت و ارزش عدالت

در فرهنگ قرآنی عدالت چیزی است که بنیاد و اساس نظام آفرینش بر آنان نهاده شده است و در حوزه تشریع نیز معیار مفاهیم اساسی و ارزشی اسلام است به‌گونه‌ای که نمی‌توان از آموزه‌های اسلام و قوانین آن چیزی را یافت که بیرون از دایره عدالت و دادگری باشد و از حد میانی به سوی نقص و یا زیاده متمایل و گرایش داشته باشد (قرآن کریم، سوره انعام: ۱۵۹). از اهمیت و ارزش عدالت همین بس که تمام قوانین اسلامی بر پایه عدالت است و هیچ قانونی را نمی‌توان یافت که در آن کوچکترین ظلم یا ستم و یا تمایلی

به بیداد داشته باشد عدالت صفتی است که هم نزد خالق آفرینش مقدس است و هم نزد مخلوق، خدای متعال در قرآن خود را با این وصف ستوده است (قرآن کریم، سوره آل‌عمران، آیه ۸).

نظام هستی یک نظام احسن است زیرا بر محور عدالت سیر می‌کند از رسول گرامی اسلام است که فرمود به‌وسیله عدل آسمان‌ها و زمین استوارند. امام صادق(ع) نقل است که فرمود «عدالت از آبی که شخص تشنه به آن می‌رسد شیرین‌تر است». و در جایی دیگر فرمودند که عدالت از عسل شیرین‌تر از کره نرمتر و از مشک خوشبوتر است. عدالت از این بابت دارای اهمیت و ارزش است که واقعیت را از غیر واقعیت جدا می‌کند و طعم شیرین قانون را به مردم می‌چشاند. عدالت مایه حیات انسانی است، عدالت است که انسان را از حیوان جدا می‌کند، عدالت برترین صفت خداست. آنچه آمد نشان می‌دهد که اجرای عدالت می‌تواند سعادت بشر را در روی زمین تضمین کند و به همین خاطر است که عدالت مهم‌ترین دغدغه کتاب آسمانی قرآن، عظام، ائمه بزرگوار، اندیشمندان و صالحان در طول تاریخ بوده است.

– اقسام عدالت

عدالت در یک دسته‌بندی کلی به عدل الهی و عدل انسانی تقسیم می‌شود (همان: ۱۸). عدل الهی به عدالت تکوینی، عدالت تشریعی و عدالت در جهان آخرت و عدل انسانی به عدالت فردی و عدالت اجتماعی تقسیم میشود که در ذیل به هر یک از آنها اشاره می‌شود.

۱- عدل الهی

منظور از عدل الهی این است که ظلم تبعیض و بی‌عدالتی از ساحت مقدس خداوند به دور است و در قرآن می‌فرماید: «و ما ربک بظلم للعبید» یعنی پروردگارت هرگز به بندگان ستم نمی‌کند (سوره فصلت، آیه ۴۶). شهید مطهری درباره معنی عدل الهی می‌گوید «منظور از عادل بودن خداوند یعنی بخشیدن حق به مستحق و ذایل نکردن شایستگی هیچ کس». عدل الهی در سه حوزه تکوینی، تشریعی و در جهان آخرت قابل بررسی است که در ذیل به توضیح پیرامون هر یک می‌پردازیم:

عدل تکوینی

نظام آفرینش از یک نظم خاصی و دقت و تعادل بی‌نظیری برخوردار است. در نظام تکوین عدالت خدا نبود چه بسا در جهان دوگانگی رخ می‌داد و در این صورت بود که هستی به فساد کشیده میشد این وحدانیت عالم آفرینش دلیلی بر یگانگی خداست. مطهری می‌گوید خداوند از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شد می‌فرماید رحمت الهی هیچ معبود تعدی را محروم نمی‌سازد ولی استعداد و ظرفیت موجودات هم یکسان نیست و هر ظرفی به قدر گنجایش خودش از رحمت خدا لبریز می‌گردد پس اینجا مجموعه‌ای زیبا پدید آمده که زیبایی آن همین تفاوت‌ها و اختلاف‌هاست این تفاوت‌ها نیز از نوع تبعیض و ظلم نیست بلکه هم حسن فرد و هم اصلاح جمع رعایت شده است (مطهری، ۲۰۰۰: ۱۶۲).

عدل تشریعی

عدل در تشریح خاص انسان‌هاست عدالت در تشریح یعنی عدالت در حوزه قانونگذاری که متناسب با عدل الهی در نظام تکفین است بشریت از این بابت که یکی از مخلوقات الهی است برای رسیدن به سعادت دنیوی و راه به سوی ذات اقدس الهی نیاز به قوانین دارد که از جانب خالق هستی نازل شده باشد به همین خاطر است که خداوند با توجه به استعدادها و ظرفیت‌های بشری به قدر متناسب و توانایی آدم‌ها این تکالیف برای انسان‌ها مقرر شده است. بنابراین جایگاه عدل در نظام تشریع تا آنجاست که معیار و ملاک سنجش احکام و قوانین به حساب می‌آید عدالت از این نظر مقیاس دین است که باید دید چه چیزی بر آن منطبق است بنابراین قوانینی که شارع مقدس آن را برای سعادت و هدایت بشر نازل فرموده عین عدالت است (مطهری، ۲۰۰۰: ۲۶).

۱-۳- عدالت در جهان آخرت

از دیگر اقسام عدل الهی، عدالت خداوندی در جهان آخرت است. عدالت خداوند حکم می‌کند که آخرت بازتابی از اعمال انسان در این دنیا باشد. بنابراین حسابرسی‌ها و پاداش و کیفرها بر اساس دل و داد الهی است و هیچ حقی ضایع نمی‌شود. شهید مطهری بر این اعتقاد است که عذاب‌های آخرت نتیجه اعمال و کردارهای ماست و همچنین می‌فرماید که هر کس باید بنگرد که برای فردای خود چه پیش فرستاده است سخن از پیش فرستادن است یعنی شما عیناً همان چیزهایی را که اکنون می‌فرستید خواهید داشت لذا درست بنگرید که چه می‌فرستید آنچه گفتیم گویای این است که عدالت در نظام تکوین و تشریع و آخرت همان است که در سراسر قرآن مجید و روایات معصومین می‌توان سراغی از آنها گرفت و بگوییم که خدای عالم جز به عدالت عمل نمی‌کند و نخواهد کرد (مطهری، ۲۰۰۰: ۳۱۰).

۲- عدالت انسانی

عدالت در حوزه انسانی نمی‌تواند جدای از عدل الهی باشد، یعنی همان‌گونه که خداوند عادل است، پس انسان به‌عنوان جانشین و خلیفه او در زمین باید عادل باشد. در دسته‌بندی عدالت انسانی در دو سطح فردی و اجتماعی بررسی می‌شود (طباطبایی، ۱۹۹۶: ۲۲۰).

۲-۱- عدالت فردی

اگر نظام هستی بر محور عدالت است پس چون انسان جزیی از این نظام است، نمی‌تواند خلاف عدالت به مقصد یعنی سعادت دنیا و آخرتی برسد. به همین منظور، عدالت در ذره ذره‌ی وجودش تجلی الهی دارد و ضروری است که رعایت آن در تمام ابعادش اعم از فکری، جسمانی و رفتاری بشود، عدالت فردی همانا آرایش جان و دل آدمی به عنصر عدالت و زدودن آثار ظلم و ستمی و تبعیض از آن است. اساس و بنیان هر عدالتی در جامعه عدالت فردی است که در این مسیر می‌توان به گوهر توحید و وحدانیت دست یافت. که عدالت در اعتقادات، عدالت اخلاقی و عدالت در رفتار از دیگر عدالت‌ها در حوزه فردی می‌باشد.

۲-۲- عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی از مهم‌ترین و فراگیرترین مصادیق عدل و داد در نظام اجتماعی است. این عدالت را باید به اعطای حقوق و مطالبات منطقی هر شخص به تناسب صلاحیت، شایستگی و نیازمندی‌های واقعی، فطری و اجتماعی او دانست. در بینش توحیدی است که اگر به حقوق انسان‌ها در جامعه تجاوزی صورت گرفت، عدالت اجتماعی نقص و ظالم به گناهی عظیم و نابخشودنی مرتکب شده است. عدالت اجتماعی رکن اساسی دین و محور توسعه جامعه است. بدون عدالت اجتماعی زمینه‌ی تحقق نیازمندی‌های طبیعی و ارتقای روحی انسان فراهم نمی‌شود. از مصادیق عدالت اجتماعی می‌توان به عدالت اقتصادی، سیاسی، قضایی و فرهنگی نام برد (مظاهری، ۱۹۹۶: ۲۷).

- اسلام و عدالت

هر انسان منصفی که در اسلام شناختی داشته باشد، تأکید می‌کند که این آیین مقدس بر محور عدالت در دو سطح الهی و انسانی استوار است. سید قطب در کتاب عدالت اجتماعی، اشاره به آن دارد که اگر کسی در دین مبین اسلام تحقیق نماید، شکی برایش باقی نمی‌ماند که در شعائر و قوانین آن به‌طور مساوی طرز فکری اجتماعی بودن واضح و هویدا است و همین فکر اجتماعی اولین فکر محکم جاری و ساری در تمام جوانب این دین است. بنابراین اگر در بعضی از قرون و اعصار مشاهده کردیم که جنبه بزرگداشت مسائل عبادی دین قوت گرفته و آن را از جانب اجتماعی دور کرده و یا اجتماع را از دین دور نموده‌اند. این برای آن عصر و قرون بوده و نه آفت دین و اسلام هرگز منشأ آن نبوده است. این مطلب واقعیت دارد که اگر هستی بر محور عدالت نبود هرگز استمرار نمی‌داشت. عدالت مایه قوام هستی است. اسلام برای عدالت و اجرایی کردن آن و برداشتن موانع در جلوی آن و آثار و نتایج آن بسیار سفارش کرده است و از آن به‌عنوان یک اصل نام می‌برد تا جایی‌که در اندیشه شیعی از آن به‌عنوان اصول دین در کنار سایر اصول چون توحید، نبوت، امامت و معاد یاد شده است. اسلام آیینی است که از پیروانش می‌خواهد از افراط و تفریط به دور و امت میانه‌رو باشند و به تعادل در رفتار و گفتار می‌اندیشند. اگر اسلام ترحمی دارد، شمشیر هم دارد، اگر نماز دارد، زکات هم دارد، اگر دستور به عفو و بخشش می‌دهد، در اجرای فرمان خدا به قاطعیت سفارش می‌کند.

برای بررسی بیشتر موضوع عدالت در اسلام به قرآن و روایات و دیدگاه اندیشمندان مسلمان و سرانجام به نقد و بررسی این دیدگاه‌ها از نظر شهید مطهری می‌پردازیم:

۱- عدالت در قرآن و روایات

در ابتدای بحث عدالت در قرآن، باید بگوییم اگر خواستیم عدالت را در اسلام مورد بررسی قرار بدهیم اول باید به سراغ قرآن برویم زیرا مبنای بحث عدالت در اسلام می‌طلبد که قبل از هر بحثی به قرآن مراجعه کنیم زیرا این قرآن است که بذر اندیشه عدل را در دل‌ها کاشت و آبیاری کرد این قرآن است که مسئله عدل و ظلم را در چهره‌های گوناگونش عدل تکوینی، عدل تشریعی، عدل اخلاقی و عدل اجتماعی مطرح کرد (مطهری، ۲۰۰۰: ۳۵-۳۶). در قرآن کریم، از دو واژه عدل و قسط حدود ۲۷ بار و ۲۳ بار در قرآن آمده

است. در قرآن فراگیر و مربوط به زمان و مکان یا اشخاص خاصی نمی‌شود بلکه مربوط به همه زمان‌ها و همه مکان‌هاست و پیروانش را سفارش می‌کند که حتی در برخورد با دشمنان خودشان هم باید آن را لحاظ کنند نظر شهید مطهری در بحث به‌کار بردن عدل و قسط و مشتقات آن در قرآن می‌گوید که قسط گاه به معنای عدل و گاه به معنای متضاد آن آمده است و نیز به معنای سهم و نصیب است. و ایشان در کتاب یادداشت‌ها با توجه به این‌که عدالت را به تکوینی، تشریعی، اجتماعی و اخلاقی دسته‌بندی می‌نماید. مرتضی مطهری می‌گوید:

«عدالت به صورت یک فلسفه اجتماعی اسلامی مورد توجه حضرت علی(ع) بوده و آن را ناموس اسلامی تلقی می‌کرد و از هر چیزی بالاتر میدانسته است و سیاستش بر مبنای این اصل تأسیس شده بود» (مطهری، ۲۰۰۰: ۱۱).

این است که قرآن هدف ارسال رسولان را ایجاد قسط و عدل در جامعه معرفی می‌کند از بیانات پیامبر اکرم و امامان معصوم در می‌یابیم که آن بزرگواران توجه خاصی به عدالت و اجرایی کردن آن داشته‌اند (مطهری، ۲۰۰۰: ۲۱۹). شهید مطهری در باب عدالت فرمودند در قرآن از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی همه بر محور عدل استوار شده است.

۲- عدالت و اندیشمندان مسلمان

هر اندیشمندی که در اسلام کار کرده باشد می‌فهمد که مفهوم عدالت از مفاهیم کلیدی است و لذا کمتر دانشمند مسلمانی داریم که از عدالت تحقق و راهکارهای آن صحبت نکرده باشد که به افراد مختلفی اعم از فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه نظام الملک، غزالی، ابن خلدون، محقق نراقی، امام خمینی(ره) می‌توان نیز صحبت کرد. امام خمینی(ره) رسیدن به عدالت را تنها در سایه تأسیس حکومت اسلامی و اجرای قوانین الهی می‌دانستند و خود ایشان با تمام تلاش دست به تأسیس جمهوری اسلامی زد و عدالت در نزد امام خمینی(ره) همان اعتدال در امور است که از آن صراط مستقیم یاد می‌کند بین افراط و تفریط و از مهمات فضایل اخلاقی آن است. و این امر فطری انسان می‌باشد (امام خمینی، ۱۹۹۹: ۳۸۶).

- نقد و بررسی شهید مطهری پیرامون مفهوم عدالت

شهید مطهری بر این عقیده است که برای بررسی مفهوم عدالت در نگاه‌های متفاوت ابتدا باید مفهوم دقیق و مشترک از آن به دست آورد سپس راه‌های تحقق آن را در جامعه بررسی کرد.

۱- بررسی مفهوم عدالت

با دقت در نوشته‌های شهید مطهری راجع به مفهوم عدالت در می‌یابیم که ایشان این واژه را از ابعاد فلسفی کلامی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و لذا به ابعاد گوناگون معنی عدالت می‌پردازد و این معانی را به صورت ذیل مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد:

الف) عدالت به معنای تعادل و موزون بودن

این تعریف از عدالت به این معناست که اگر یک اجتماع بخواهد باقی و برقرار بماند باید متعادل باشد اساساً موزون بودن هستی به این است که اجزای یک مجموعه از نظر کمیت و کیفیت با یکدیگر در توازن باشند و این شرط برای بقای آن مجموعه می‌باشد، از نظر مطهری یک جامعه متعادل نیازمند تقسیم کار عادلانه بین افراد آن جامعه می‌باشد از جمله در فعالیت‌های اقتصادی، امورات قضایی، سیاسی، کارهای فرهنگی و تربیتی و برای هر کدام از آن کارها به آن اندازه که لازم و ضروری است افراد گماشته شود. شهید مطهری می‌گوید این معنی از عدالت درباره جهان هستی صادق است که اگر موزون و متعادل نبود اصلاً موجودیت پیدا نمی‌کرد و اگر بود هم نظم و حساب و جریان معین و مشخصی نبود (مطهری، ۱۹۹۷: ۵۹).

ب) عدالت به معنای تساوی و نفی هرگونه تبعیض

عدالت در این معنی یعنی نباید هیچ تفاوتی بین مردم قائل شد و همه مردم به یک اندازه از مواهب موقعیت و فرصت بهره ببرند، پس همه انسان‌ها باید در همه چیز با یکدیگر برابر باشند و هیچ برتری بین آنها وجود ندارد شهید مطهری با دقت هرچه تمام‌تر به بحث پیرامون عدالت می‌پردازد و می‌گوید گاهی می‌گویند فلانی عادل است منظور این است که هیچ‌گونه تفاوتی میان افراد قائل نمی‌شود بنابراین عدل در اینجا به معنی مساوات است او می‌نویسد بعضی‌ها عدالت را به مساوات تعریف می‌کنند و مساوات را همین می‌دانند که تمام افراد بشر از لحاظ تمام نعمت‌هایی که داده شده در یک سطح زندگی بکنند عدالت یعنی همه مردم از چیزهایی که موجبات سعادت است برابر داشته باشند اگر عدالت را اینجوری معنی بکنیم درست نیست این عدالت درست نیست ظلم است شهید مطهری این نوع معنی از عدالت را صحیح نمی‌داند و آن را بسیار عوامانه می‌داند و اشکالات اساسی را بر آن وارد می‌کند (مطهری، ۲۰۰۰: ۳۰۶).

ج) عدالت به معنای رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را

این تعریف از مفهوم عدالت همانی است که شهید مطهری آن را تعریفی جامع و مانع می‌داند در این معنی هر شهروندی حق دارد که باید ادا شود. ظلم در برابر همین معنی به‌کار می‌رود ظلمی که به پایمال کردن حقوق افراد می‌انجامد اصلاً معنی عدالت اجتماعی به این است که رعایت حقوق افراد باید بشود و هر حقی باید به صاحب حق داده شود مطهری درباره این معنی است عدالت می‌گوید معنی اصلی عدالت اجتماعی یعنی عدالتی که در قانون بشر باید رعایت شود و افراد باید آن را محترم شمرند همین معنی عدالت است (مطهری، ۱۹۶۸: ۱۴۵).

د) عدالت به معنای رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه بر آنچه امکان وجود دارد.

این معنی از عدالت به معنای یک صفت برای ذات اقدس الهی مطرح شده است عدل الهی در این تعریف قابل بیان و تفسیر است. مطهری می‌فرمایند حکما معتقدند که هیچ موجودی بر خدا حقی پیدا نمی‌کند که دادن آن حق انجام وظیفه و ادای دین شمرده شود و خداوند از آن جهت عادل شمرده می‌شود که به دقت تمام وظایف خود را در برابر دیگران انجام می‌دهد عدل خداوند عین فضل و عین وجود اوست

معنی عدل خداوند عبارت است از این‌که خداوند فضلش را از هیچ موجودی دریغ نمی‌کند (مطهری، ۱۹۹۷: ۶۳).

نقد و بررسی دیدگاه‌های اشاعره و معارفه در باب عدالت

شهید مطهری در ورود به بحث عدالت ابتدا از مسائل جبر و اختیار شروع می‌کند و معتقد است که بین عدل و جبر و اختیار رابطه مستقیمی وجود دارد او می‌نویسد بحث جبر و اختیار خود بحث عدل را به میان می‌آورد زیرا رابطه مستقیمی است میان اختیار و عدل از یک طرف دیگر یعنی تنها در صورت اختیار است که تکالیف و پاداش کیفر عادلانه مفهوم و معنی پیدا می‌کنند. شهید مطهری با بررسی دو جریان اشائره و معتزله معتقدند که بحث عدالت در شیعه به اندیشه معتزله نزدیک است علی‌رغم انتقاد شیعه به معتزله در بحث تولید افعالی و اتکای بیش ازحد به عقل، شیعه خود را جز عدلیه می‌دانند باید بدانیم حق وجود دارد باید آن را شناخت و تلاش کرد که در روابط فردی و اجتماعی مناسب آن را پیدا کرد و هر صاحب حقی را در روابط اجتماعی به حقش رساند. دعوا بر سر عدل در بین جریان‌های حاکم بر دنیای اسلام در همان آغاز تاریخ اسلام به شهادت حضرت علی منجر شد و علی را قربانی جمود فکری گروهی به نام خوارج کرد وارج آنهایی بودند که در بحث حکمیت ظاهر شدند و نه علی و نه معاویه را معتبر می‌دانستند و از هر دو تبری می‌جستند (مطهری، ۲۰۰۱: ۲۰۳ـ۲۰۳).

- **نگاهی محققانه به عدالت**

پایه و اساس مباحث شهید مرتضی مطهری از عدالت قرآن و روایات معصومین بوده است جایی‌که معتقد است آنها که پایه و بنیان استدلال قرآن و روایات معصومین است چه نیازی به بهره‌گیری از سایر منابع در باب عدالت است (همان، ۲۳-۲۴). او تمام دعواها را بر سر مفهوم عدالت عدم مراجعه درست و صحیح به قرآن کریم می‌داند. بیان دقیق و قابل اجرایی شدن عدالت در اسلام و جهت‌گیری این دین مقدس به عدالت مساوات و برابری است که همواره محرومان و مستضعفان و مظلومان از این بیان اسلام منتفع شدند و غارتگران و استثمارگران و استیلا جویان از آن زیان دیدند.

شهید مطهری در تفاوت عمده مکتب اسلام با سایر مکاتب در بحث عدالت می‌گوید: تفاوت عمده میان مکتب اسلام با سایر مکاتب در جهت عدالت این است که اسلام معنویت را پایه و اساس می‌شمارد حساسیتی که اسلام در زمینه عدالت اجتماعی و ترکیب آن با معنویت اسلامی از خود نشان می‌دهد در هیچ مکتب دیگری نظیر ندارد (مطهری، ۲۰۰۱: ۱۶).

او معتقد بود عدالت خواهی در نهاد بشر نهفته است که اگر خوب تربیت بشود و مربی کامل و درستی در اختیار داشته باشد همان‌طور که زیبایی را دوست می‌دارد چون عدالت هم از مقوله زیبایی است آن را هم دوست خواهد داشت و عدالت یک هدف بسیار متعالی برای رسیدن به سعادت در نزد مردم جلوه خواهد کرد. عدالت در اسلام نوعی توازن در نظام‌های هستی و زندگی اجتماعی بشر است (همان، ۶).

گفتار دوم راهکارهای اجرایی کردن عدالت

در اندیشه ناب توحیدی که عدل را مهم‌ترین صفت ذاتی خداوند متعال می‌دانند قرار گرفتن حاکم عادل در راس یک حکومت را هدف نمی‌داند و در پی آن است که تمام ارکان یک جامعه اعم از مردم و کارگزاران باید به عدالت بیندیشند و تمام تلاش خود را در اجرایی کردن عدالت در تمام ابعادش به‌کار گیرد از این نگاه اجرایی کردن عدالت وظیفه‌ای است همگانی و هیچکس نمی‌تواند خودش را نسبت به آن بی‌تفاوت فرض کند امام خمینی(ره) در سخنرانی‌ها و نوشته‌هایش راهکارهایی را برای تحقق عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی لازم می‌شمارد که از آن جمله: ۱) حفظ منافع محرومان و گسترش مشارکت عمومی آنان و محرومیت زدایی). ۲) مبارزه با زراندوزان و رفاه طلبان. ۳) اجرای قوانین و مقررات اسلام. ۴) همراهی حکومت با اقشار ضعیف جامعه. ۵) ساده زیستی به‌ویژه توسط مسئولین جامعه. ۶) نفی حب دنیا و دنیا پرستی. ۷) نفی اخلاق سرمایه‌داری و کاخ نشینی.

مهم‌ترین راهکارهای اجرایی کردن عدالت که در این نوشته مورد تأکید است که در خیلی از راهکارها راه‌های پیشنهادی توسط شهید مطهری هم هست عبارتند از:

۱. تأسیس حکومت ۲. تدوین قانون متناسب با عدالت ۳. اجرای احکام خدا ۴. وجود کارگزاران عادل ۵. ایمان به عدالت ۶. حاکمیت اخلاق در جامعه ۷. نادیده گرفتن امتیازات ویژه برای گروهی خاص و حفاظت از بیت‌المال ۸. حمایت از محرومان و اقشار آسیب‌پذیر. این‌ها می‌تواند حکومت و مردم را در برپایی عدالت راهنمایی و یاری کند و هر نسبتی که جامعه از این سازوکار بهره‌مند باشد به همان نسبت در اجرای عدالت توفیق خواهد داشت در غیر این صورت با بی‌عدالتی است که نابسامانی‌های فردی اجتماعی پدید خواهد آمد و بحران‌های اجتماعی سیاسی اقتصادی فرهنگی و آشفتگی‌های روانی و اخلاقی چه با نظام‌های سیاسی را با چالش‌های جدی حتی نابودی مواجه خواهد کرد در ذیل به بررسی چند یک از این راهکارها می‌پردازیم:

۱- تأسیس حکومت اسلامی

با تشکیل حکومت اسلامی که در آن قوانین و مقررات الهی ساری و جاری خواهد شد مناسبات اقتصادی بر پایه عدل و داد خواهد بود. تعیین مناصب عادلانه و شایسته سالاری در گرفتن مشاغل بر اساس تقوا و تعهد تخصص صورت خواهد گرفت و کسی جرات تجاوز به حقوق محرومان و پابرهنه‌ها را ندارد و افراد ضعیف و ناتوان به حقوق خود می‌رسند حق امری همگانی خواهد شد و ظلم و بی‌عدالتی در هر شکلی قابل تحمل نیست احکام خدا برای شهروندان یکسان اجرا می‌شود و زمینه رشد و تکامل برای همه مردم به وجود می‌آید در چنین نظامی امتیازات ویژه و رانتخواری وجود ندارد. یکی از عوامل مؤثر در اجرایی کردن عدالت مورد نظر خداوند متعال تشکیل حکومت اسلامی است این است که پیامبر اکرم(ص) به محض آماده شدن زمینه برای تأسیس حکومت اسلامی در مدینه اولین اقدامش تشکیل چنین حکومتی بوده است. تشکیل حکومت از ضروریات یک جامعه دینی است البته حکومتی که به دنبال تحقق عدالت اجتماعی باشد و این تمام تلاش انبیا از جمله پیامبر اسلام بوده است پیامبر اسلام تشکیل حکومت داد مثل سایر

حکومت‌های جهان لیکن با انگیزه و بسط عدالت اجتماعی در جهان مقصود انبیا از کوشش و جنگ‌هایی که با مخالفین می‌کرد کشورگشایی و این‌که قدرت را از خصم بگیرند و در دست خودشان باشد نبوده است بلکه مقصود این بوده است که یک نظام عادلانه به‌وجود آورند تا به وسیله آن احکام خدا را اجرا نمایند (امام خمینی، ۱۹۹۹: ۵).

۲- تدوین قانون متناسب با عدالت

با تشکیل حکومت اسلامی برای اجرایی کردن عدالت کافی نیست بلکه باید با وضع قوانین عادلانه و ایجاد امکانات مساوی برای همه در مالکیت آزادی اشغال امکانات تعلیم و تربیت هنر صنعت شغل و حتی در عبادت زمینه برای برقراری عدالت فراهم کرده است (مطهری، ۲۰۰۰: ۹).

شهید مطهری با طرح پرسش‌های پیرامون قانون می‌گوید قانونی که باید عدالت را به همراه آورد چه نوع قانونی است؟ به تعبیر دیگر قانون عادلانه کدام قانون است؟ مطهری در بررسی این سوالات می‌گوید قانون همواره باید طوری تنظیم گردد که همه افراد بشر را به یک چشم ببیند و بین افراد تبعیضی نگذارد رعایت استحقاق‌ها را بنماید. به‌عبارتی دیگر چون افراد در آفرینش شرایط یکسان دارند در قانون نیز باید شرایط برابر داشته باشند وی معتقد است قانون باید شرایط یک مسابقه و حرکت تکاملی را برای همه مردم که استعداد شرکت در آن مسابقه را دارند فراهم کند و همه را یکسان مکلف بشناسد و همه را یک سال مستحق پاداش و تنبیه بداند و تنها ملاک را فضیلت علم و عمل و تقوا بداند. شهید مطهری در ادامه نوشته‌هایش می‌گوید که قانون حاکم بر زندگی جمعی آدم‌ها باید عادلانه باشد زیرا عدالت مطابق با فطرت و عقل سلیم است یعنی هر چه در معرض ظلم قرار بگیرد و یا قرار نگیرد عدالت را خوب و ظلم را بد می‌داند پس تدوین قانون مطابق با عدالت به‌ویژه عدالت اجتماعی از ضروریات تحقق عدالت است. اما این‌که قانون عادلانه را چه کسی باید وضع کند، در این زمینه سه نظریه وجود دارد یک گروه می‌گویند حاکمان و عالمان و خیرخواهان قادرند که از طریق بهره‌برداری از عقل و قوانین عادلانه را تدوین کنند گروه دوم که ماتریالیست‌های مارکسیست می‌باشند می‌گویند قوانین عادلانه جبرا همیشه از طرف طبقات محروم و مظلوم پیشنهاد می‌شود ولی نظر سوم که نظر دین مقدس اسلام است و درست هم هست می‌گوید قانون عادلانه تنها از طریق وحی ممکن است چون مصالح بشر را جز وحی، دیگران نمی‌توانند تشخیص دهند و همین‌طور یگانه مقام بی‌غرض وحی است قانون عادلانه آن قانونی است که رعایت حقوق احاد مردم را نماید و از دادن حق به ذی‌حق ابایی نداشته باشد (همان، ۶).

گفتار سوم موانع و محدودیت‌های تحقق عدالت

تحقق عدالت در جامعه انسانی همواره با مشکلات موانع و محدودیت‌های فراوانی مواجه بوده است که بررسی آنها می‌تواند ما را در رسیدن به عدالت و دستیابی به ارزش‌های الهی با موفقیت بیشتری یاری رساند این موانع و محدودیت‌ها عبارتند از:

۱- حضور افراد نالایق در عرصه حکومت

شهید مطهری در کتاب ۲۰ گفتار با طرح این سوال که چرا با وجود این همه تأکیداتی که در اسلام بر اجرای عدالت شده و برخلاف همه توصیه‌های اولیای دین درباره اصل عدالت همه جامعه و حکومت در دنیای اسلام از عدالت فاصله گرفتند و تاریخ گذشته اسلام مملو از ظلم جنایات و تبعیض و ستم بوده است؟ باید به این پرسش جواب دهیم که این همه فاصله بین تئوری و عمل از کجا نشأت گرفته است آیا این همه لغزش‌ها قابل توجیه است در جواب به این سوال‌ها باید گفت آنانی که باید قبل از هر چیز عدالت را در جامعه پاس دارند و به اجرا بگذارند خلفا و زعمای مسلمین یعنی کارگزاران نظام اسلامی هستند و بیشتر آنها هم در طول تاریخ سوء نیت داشتند و چه بسا شایستگی آن مقام و ریاست را نداشتند و بنابه دلایلی مانع اجرا و تنفیذ اصل عدالت می‌شدند و در نتیجه در جامعه اسلامی انواع بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها به وجود آمد در جامعه‌ای که ساختار بر پایه عدالت شکل نگیرد سرکشی از قانون اتفاق می‌افتد و نه تنها از عدالت بی‌بهره می‌شوند بلکه خود بزرگترین مانع رشد معنویت در جامعه اسلامی هستند. افزون خواهی و رانتخواری با حضور افراد بی‌لیاقت در عرصه قدرت شکل می‌گیرد هرگاه چنین گروهی در جامعه‌ای پیدا شدند نه تنها از اصول اخلاقی فاصله می‌گیرند بلکه خودشان به انواع آلودگی‌های دنیا نظیر تجاوز به حقوق دیگران و زیر پا گذاشتن حق دچار می‌شوند (مطهری، ۲۰۰۱: ۲۳).

۲- استبداد و خودکامگی

یکی از عوامل مهم در عدم دستیابی به عدالت پرهیز از استبداد و خودکامگی حکام است استبداد و خودرأیی نه تنها تحقق عدالت را ناکام می‌گذارد بلکه موجب هلاکت و ناامنی جامعه و شخص مستبد هم می‌شود این‌که حضرت علی(ع) به مالک اشتر فرمان می‌دهد که «بپرهیز که خود را در بزرگی همانند خدا پنداری و در شکوه خداوندی همانند او دانی زیرا خداوند هر سرکشی را خوار سازد و هر خودپسندی را بیارزش می‌کند با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری انصاف را رعایت کن که اگر ستمی روا داشتی و کسی که به بندگان خدا ستم را روا دارد خدا به جای بندگانش دشمن او خواهد بود. خدا دعای ستم دیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است. خود رأی بودن و اعتنا به خداوند و مردم نکردن هلاکت می‌آورد و اولین ضربه‌اش به آدم مستبد این است که از رحمت الهی دور می‌شود کینه‌ها و دشمنی‌ها را در دل‌ها زیاد می‌کند آدم مستبد و خودکامه باید بداند اولین کسی که در مقابل خدا روحیه خودکامگی نشان داد شیطان بود و لذا خدا او را خوار و ذلیل کرد. شهید مطهری درباره این صفت ناپسند که هر انسانی را از پای در می‌آورد می‌فرمایند: «یکی از علل عمده عدم موفقیت مردم به اصلاح جامعه خود این است که هر فردی آنگاه که به خودش نگاه می‌کند و به اعمال خودش نظر می‌افکند عینک خوشبینی به چشم میزند و آنگاه که به دیگران و اعمال دیگران نظر می‌کند عینک بدبینی و بدگمانی و نتیجه این است که هیچ‌کس خود را تقصر کار نمی‌داند و چنین می‌پندارند که تقصیر متعلق به دیگران است و هم چشم به عدالت اجتماع دارند و هیچ‌کس فکر نمی‌کند که عدالت اجتماع وقتی حاصل می‌شود که افراد عادل باشند (مطهری، ۲۰۰۱: ۱۹۱).

۳- عدم ایمان به عدالت

شهید مطهری با طرح این پرسش که آیا ظلم و بی‌عدالتی که امروز در دنیا این همه تاخت و تاز می‌کند از بی‌قانونیست یا قوانین حاکم بر دنیا بر اساس بی‌عدالتی تدوین شده است؟ او در جواب به این پرسش معتقد است بدون شک قوانین ظالمانه که افراد را در شرایط نامساوی قرار بدهد خود یکی از موانع تحقق عدالت است اما صدی بیست ظلم حاکم بر دنیا مربوط به قوانین است ولی صدی هشتاد مربوط به این است که ایمان به عدالت و احترام به قانون در کار نیست. این است که حکومت‌هایی در دنیا پیدا می‌شوند که همه قوانین آنها اگر ۱۰۰ اجرا شود می‌تواند سعادت نسبی را برای مردم داشته باشد. عدم ایمان به همین قوانین نسبی هم نتوانسته برای بشر سعادت بیاورد و می‌توان گفت که در تمام دنیا به اندازه قانون هست که بتواند برای افراد ضعیف مفید باشد ولی بود و نبود این قوانین علی السویه است. زیرا بشر تابع منافع شخصی است به همین اندازه زور دارد که بر اسب خود بتازد و بر پایبند نبودن به قانون تأکید دارد استاد در ادامه تأکید می‌کنند که قانون به خودی خود جز یک صفحه کاغذ سیاه شده چیزی نیست زیرا وجود قانون خوب و مقررات کافی و اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها برای حقوق بشر بدون وجود ایمان به عدالت و حقوق لازم الاحترام به منزله این است که در یک کشور اداره ثبت اسناد معاملاتی و ازدواجی باشد و اسناد به‌طور مرتب و محکم بودن هیچ‌گونه نقصی با امضاها و تمبرها تنظیم شود اما در کشور قوه اجرایی وجود نداشته باشد (مطهری، ۲۰۰۱: ۲۷۰). آنچه مهم است این است که باور و اعتقاد داشتن به عدالت و قانونی که عدالت را به همراه دارد برای تحقق عدالت بسیار مهم است و عدم ایمان به آن مقدمه نداشتن باور به قانون است بنابراین انسان‌ها هستند که باید وجود عینی قانون باشند پس عمده عمل به قانون است که مستلزم گذشتن از منافع است عمل به قانون بدون ایمان این‌که عدالت احترام الهی دارد و ظلم مواخذه الهی دارد امکان‌پذیر نیست (همان: ۲۷). عواملی دیگر از جمله تفسیر غلط از عدالت، دنیاگرایی، رواج ظلم و ستم باعث ایجاد شکاف بین طبقات اجتماعی شکل‌گیری محرومیت‌ها، ضعف‌ها و سستی اراده بعضی از حکام ایجاد روحیه تن‌پروری عدم آشنایی با آثار و نتایج عدالت مصلحت‌اندیشی و عدم قاطعیت در اجرای احکام خدا، حاکمیت هوای نفس بر جامعه و عدم روحیه عدالت‌خواهی از دیگر موانع تحقق عدالت در طول تاریخ بوده است.

گفتار چهارم آثار و نتایج تحقق عدالت اجتماعی

این همه تأکید بر عدالت و اجرایی شدن آن و برداشتن موانع از سد راه تحقق آن به این است که اگر در جامعه‌ای عدالت در تمام ابعادش پیاده شود می‌تواند آثار و نتایج زیادی را به همراه داشته باشد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (نراقی، ۱۹۸۳: ۳۷۳).

۱) ایجاد اعتماد همراه با محبت بین مردم و حکومت.

۲) صفت عدل، شهرت زمان حیات و ممات حکام است.

۳. مایه استحکام نظام سیاسی.

۴. آبادانی کشور و ملک حاصل شود.

۵. جامعه به عنوان الگو معرفی می‌شود و این خود نشر و بسط نیکی و فضایل در سطح عمومی است.

۶. مایع آسودگی و احساس رضایت مردم است و این دلدادگی مردمی و رشته الفت بین مردم و دولت را مستحکم می‌کند.

۷. ایجاد امنیت به معنای آرامش و فراق بال همه جانبه در پیشبرد مسیر زندگی.

۸. توزیع عادلانه ثروت.

در یک جمع‌بندی می‌توان بقای جامعه و نظام سیاسی جذب توده‌های تشنه عدالت ایجاد وحدت در جامعه عمران و آبادانی رشد و تعالی جامعه و ریشه‌کن شدن فقر را از دیگر آثار و نتایج تحقق عدالت اجتماعی نام برد که در ذیل به بررسی تعدادی از آنها می‌پردازیم:

۱. آگاهی جامعه و استمرار حکومت

شهید مطهری می‌گویید اگر جامعه اسلامی می‌خواهد سرپا و پویا بماند باید بر مدار عدالت بگردد و حافظ حق مردمانش باشد که این مورد تاکید اسلام همواره می‌باشد. مگر پیغمبر بزرگوار خودش نفرمود یعنی اگر یک جامعه عادل و متعادل باشد قابل بقاست هر چند مردمش کافر باشند اگر ظلم و اجحاف در نتیجه تفاوت‌ها و پست‌ها و بلندی‌ها و ناهمواری‌ها در جامعه پیدا شد آن جامعه باقی نمی‌ماند هر چند مردمش بر حسب عقیده مسلمان باشند. حکومتی که علت محدثه آن عدالت بود نباید از این نکته غافل شد که علت بقا در استمرار آن نیز عدالت است و اگر بخواهد پایه‌های حکومتی خویش را بر قدرت بی‌مهار مبتنی بر نفی عدالت استحکام بخشد دیر یا زود دچار انقلاب ماهیت شده و به سرنوشت حکومت سلف خویش دچار خواهد شد بی‌عدالتی در اجتماع مانند بی‌عدالتی بین فرزندان یک خانواده از جانب پدر و مادر است که این گونه رفتارها باعث ایجاد عقده‌های روانی و انتقام جویی افراد می‌باشد اگر در جامعه‌ای عدالت وجود نداشته باشد این وضعیت موجب انقلاب می‌شود هر چند که آن جامعه یک جامعه اسلامی مانند جامعه ایران باشد (مطهری، ۲۰۰۶: ۶۰).

۲. ایجاد وحدت در جامعه

برقراری عدالت اجتماعی در جامعه به وحدت و انسجام مردم می‌انجامد و دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند در غیر این صورت بین جامعه شکاف اتفاق می‌افتد. آن موقع نه هم‌فکر و نه هم‌صف هستید. حضور عدالت در جامعه علاوه بر وحدت در دل‌ها وحدت در عقیده‌ها را نیز ایجاد خواهد کرد و این خود موانع و مشکلات را از میان برمی‌دارد و موجبات دوری دل‌ها کینه‌ها حسدها و انتقام جویی‌ها یعنی تبعیضات حقوقی را از میان می‌برد برقراری عدالت اجتماعی در جامعه علاوه بر بار ارزش بالایی که دارد سبب می‌شود تا مردم آن جامعه به یکدیگر علاقمند و محبت بین آنها زیاد شود (مطهری، ۲۰۰۰: ۹۱).

۳. عمران و آبادی جامعه و رشد استعدادها و خلاقیت‌های مردم

تحقق عدالت اجتماعی و حاکم‌شدن آن بر امور زندگی انسان‌ها همواره سبب رشد و شکوفایی و معنویت‌گرایی افراد جامعه می‌گردد. به تعبیر شهید مطهری، عدالت در اعمال و اخلاق مردم و حتی در رفتار و عقاید مردم تأثیر دارد. اگر عدالت در جامعه اسلامی به‌وجود آید نه تنها از تبعیض و ستم خبری نخواهد

بود و هر کس به آنچه مستحق آن است می‌رسد، عمران و آبادی را در سطح وسیع سبب خواهد شد این است که در بعضی از روایات از عدالت به‌عنوان حیات و زندگانی و آبادانی و از ظلم و جور و ستم به نیستی و نابودی و سرانجام مرگ تعبیر شده است.

۴. از بین رفتن فقر

یکی از آثار و نتایج تحقق عدالت در جامعه از بین رفتن فقر و تنگدستی و نیازمندان است. امام علی(ع) اجرای عدالت را موجب بی‌نیازی مردم می‌داند اگر در جامعه‌ای عدالت اجرا شود مردم بی‌نیاز می‌شوند. مقام معظم رهبری از آثار تحقق عدالت می‌گویند: اگر دولت به معنای واقعی اصلاح گردد آن وقت کشور هم اسلامی خواهد شد عدالت مستقر می‌شود تبعیض از بین خواهد رفت. فقر ریشه کن می‌گردد و عزت حقیقی برای مردم به‌وجود می‌آید و موقعیتش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند این می‌شود کشور اسلامی. در صورت نبود عدالت است که فقر و تنگدستی خودش را نشان می‌دهد که در این صورت باید شاهد آثار نامطلوب آن مانند سرقت رشوه اختلاس و خیانت به اموال عمومی بود (مطهری، ۲۰۰۰: ۹۴-۹۳).

نتیجه‌گیری

آنچه که در این مقاله به بحث گذاشته شد دیدگاه شهید مطهری در باب عدالت بود مسئله عدالت همواره از اساسی‌ترین و مهم‌ترین آرمان‌های انسانی در طول تاریخ بوده است از موضوعاتی که ادیان الهی و اندیشمندان آن را مورد توجه قرار داده‌اند رایش به عدالت و عدالت‌خواهی نه صرفاً به‌عنوان یک خواسته و نیاز آدمی که شأنی از شئون فطری و عقلی انسان است که انسانیت‌اش بدون آن معنا نمی‌یابد. هیچ چیز مانند عدالت از دولت‌ها حفاظت نمی‌کند و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن موجب تداوم قدرت و اقتدار حکومت‌هاست و مهم‌ترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی اصلاح جامعه تبلور می‌کند چرا که عدالت انتظام امور مردم و جامعه است و هیچ چیز به اندازه عدالت نمی‌تواند مردم را اصلاح کند اجرای عدالت مخالفت‌ها را کم و دوستی و محبت‌ها را زیاد می‌کند با افزایش محبت و وفاداری شهروندان به نظام سیاسی است که تفرقه و ناامنی و بی‌ثباتی به سمت وحدت عمومی و امنیت و ثبات واقعی تغییر خواهد یافت. بنابراین تمام تلاش ما در گفتار اول در جهت یک تعریف درست و محققانه از عدالت از نگاه شهید مطهری بوده که در ادامه به ارزش و اهمیت آن و اقسام آن اشاره کردیم و برای نقد و بررسی دیدگاه‌های گوناگون در بحث عدالت به تاریخچه آن در اسلام و که نظریات متعددی پرداخت را جویا شدیم.

در گفتار دوم به مهم‌ترین بحث بعد از شفاف‌سازی و رفع ابهام پیرامون مفهوم عدالت به راهکارهای اجرایی تحقق عدالت اشاره کردیم و در گفتار سوم به موانع تحقق عدالت و در گفتار چهارم به آثار و نتایج تحقق عدالت پرداختیم در تمام این بحث‌ها ریشه و اساس کار را نظرات شهید مطهری تشکیل داده است. اعتقاد شهید مطهری بر این است که عدالت در جامعه مهدوی به معنای برقراری عدل کامل نفی هرگونه ظلم و تبعیض آن هم نه فقط از جنبه اقتصادی بلکه از جنبه سیاسی و امتیازات غیر مالی مثلاً اداری می‌باشد. سرانجام قانون عدل الهی بر بشریت حاکم خواهد شد و سازمان‌های دروغین حقوق بشر از دنیا برچیده

می‌شود و شیاطین و شیطان صفت‌ها به انزوا می‌گرایند آن روز هم در پیشگاه قانون برابر و قانون خدا حاکم خواهد شد در آن روزگار انسان‌های گرسنه و ستم کشیده فرصتی خواهند یافت تا فارغ از فکر معاش به تکامل روح و کسب مفاهیم الهی بپردازند مستضعفین در عصر او از قید و زنجیر اسارت آزاد می‌شوند جنگ‌ها برچیده و صلح و آرامش و عمران آبادانی جای آن را می‌گیرد.

Reference

Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram (2026AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 2). Adab. (In Persian)

- Imam Khomeini (1999). *Sahifeh-ye Imam*. Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Isfahani, Raghib (1996). *Mofradat-e Alfaz al-Qur'an* (Vol. 2, Translated by Seyyed Gholamreza Khosravi Hosseini). Mortazavi. (In Persian)
- Motahhari, Morteza (1997). *Adl-e Elahi*. Sadra. (In Persian)
- Motahhari, Morteza (1997). *Yaddasht-haye Ostad Motahhari* (Vol. 3). Sadra. (In Persian)
- Motahhari, Morteza (2000). *Bist Goftar*. Sadra. (In Persian)
- Motahhari, Morteza (2001). *Barrasi-ye Ejmali-ye Mabani-ye Eghtesad-e Eslami*. Sadra. (In Persian)
- Motahhari, Morteza (2006). *Pirâmoun-e Enghelab-e Eslami*. Sadra. (In Persian)
- Naraqi, Ahmad (1983). *Meraj al-Sa'adah*. Amir Kabir. (In Persian)
- Sayyid Radi, Muhammad ibn Hossein (2000). *Nahj al-Balagha* (Translated and explained by Seyyed Ali Naghi Feiz al-Islam). Faqih. (In Persian)
- Tabataba'i, Muhammad Hossein (1996). *Amuzesh-e Din*. Entesharat-e Eslami. (In Persian)